

«هوالحکیم»

عنوان:

نقد آیت الله میرزا جواد تهرانی بر مکاشفات لاهیجی از معراج



دکتر باقر پورکاشانی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْيَاصِحِّ ابْنِ الزَّمَانِ



『@SERATEHAGHI』

جناب لاهیجی می گوید من کشف داشتم، کشف را
 بر اساس هیئت بطلمیوسی تعریف می کند. گفت که فلک
 چگونه بوده و... بعد جناب لاهیجی می گوید که من
 کشف داشتم! اما کشف ایشان کشف رحمانی نبوده! یا
 شیطانی بوده یا توهم کشف کرده! مرحوم میرزا جواد
 آقا تهرانی وقتی که این عبارات را می آوردند: «و سپس
 چیست که در هر يك از این هفت فلک دیگر يك كوكب
 است» می فرمایند مراد لاهیجی از عرش، فلک تاسع است.
 «و افلاك با خصوصیاتى که اشاره می کنند همان افلاکی
 است که او و مردم زمان او به تقلید از فرضیه‌ی هیئت
 بطلمیوسی معتقد بودند و از نظر دانشمندان امروز، آن
 افلاك در واقع خیالی بوده و ما می گوییم علی‌ای حال
 انکشاف اسرار و حکمت‌های آنها برای لاهیجی در
 این معراج و سیر، خیال اندر خیال بوده». چون ایشان
 ادعا می کند که من معراج رفتم! چون بحث معراج را
 بسیاری از عرفا ادعا کردند! معراج را منحصر به پیامبر
 ندانستند! گفتند ما معراج رفتیم! بسیاری از عرفا ادعای
 رفتن به معراج را داشتند!
 ما دلیلی نداریم که غیر پیامبر کسی به معراج برود، محال
 نیست اما بالاخره چنین ادعاهایی را داشتند!

«همچنان که دیدن او حضرت حق را و فانی شدن او در نور حق، آن هم به دفعات نامتناهی، همه و همه توهمات و تجسمات خیالی او بوده». می گوید هر دفعه خدا را دید، خدا تجلی کرد، این معدوم شد! فانی شد! باز دوباره باز تجلی کرد معدوم شد! این ها خیالات هست! این سیکل را از هیئت بظلمیوسی شروع کردی و بعد هم بردی به فنا! اما مخلوق خالق نمی شود! خالق هم تنزل پیدا نمی کند که مخلوق شود! مرز بین خالق و مخلوق هیچ وقت شکسته نمی شود! مرز بین اشرف مخلوقات، پیامبر اکرم و خدا هیچ وقت شکسته نمی شود! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا آخر عمرشان اوج معنویت را کسب کنند، علم و کمالات کسب کنند، خدا نمی شوند! مخلوق هست! منتها اشرف مخلوقات هست! خدا هم پائین نمی آید بخواند مخلوق شود! این قاعده را همیشه در ذهن مان داشته باشیم که این مرز شکسته نشود! بسیاری از انحرافات که در مسئله‌ی خداشناسی و توحید هست، خواستند مرز را بشکنند! یعنی من بشوم او! دیگر منی نیست! این می شود فناء ذاتی! یا او تنزل پیدا بکند در عقل اول و عقل دوم در عقل عاشر و در اجسام و این سیر نزولی باز با حرکت در جوهر از سیر صعودی! انا لله و انا الیه راجعون تعبیر می کنند به این سر! و آن جا دوباره این حرکت اشتدادی و جودی پیدا می کند، می شود خود او! این حرف ها حرف های نادرستی است!